

چند روز پیش خبری از کتک خوردن یک بیمار مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد در رسانه‌ها منتشر شد که بیشتر ارزش آن به دلیل ادامه خبر بود، جایی که می‌فهمیدیم فردی که کتک خورده در اوایل دهه ۹۰ در رشته کشتی تاقهرمانی آسیا هم پیش رفته بوده است! این خبر را بگذاریم کنار خبری که امروز در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شدد: «سروش احمدی، دارنده ۱۴ مدال بین‌المللی در رشته تکواندو و نایب قهرمان جوانان جهان، این روزها با مسافر کشتی روزگار می‌گذراند.»

همه می‌دانیم که ورزش حرفه‌ای یک کار تمام‌وقت شمرده می‌شود و قهرمانان اگر بخواند در این مسیر بمانند، نیازمند حمایت ویژه هستند. اما متأسفانه به جز فوتبالیست‌ها، تقریباً هیچ کدام از ورزشکاران دیگر رشته‌ها دل خوشی از وضعیت مالی خود ندارند و همیشه با غم‌نا ن دست به گریباندن.

به همین بهانه در مطلب امروز به ورزشکارانی که با فاصله کوتاهی از اوج دوره قهرمانی‌شان از ورزش حرفه‌ای فاصله گرفته‌اند یا ترجیح داده‌اند که ادامه زندگی حرفه‌ای‌شان را در خارج از کشور سپری کنند می‌پردازیم. همچنین سعی می‌کنیم کمی به دلایل تصمیمشان فکر کنیم و به مقاصد و انگیزه هاشان نزدیک شویم.

● دیروز، دوشوخت‌وسوز تا چند سال پیش، معمولاً بیشتر گزارش‌هایی که از وضعیت بد مالی ورزشکاران منتشر می‌شد، درباره زندگی پیش کسوتان ورزش‌هایی

بود که بودجه کمی داشته‌اند. بودجه کم در دوره ورزش حرفه‌ای باعث شده است پیش کسوتانی که غیر از ورزش کار دیگری برای انجام دادن بلد نیستند و در دوره ورزش حرفه‌ای هم پول زیادی پس‌انداز نکرده‌اند، در مضیقه مالی به سر ببرند. همیشه دست فروش پیری که مثلاً ۲ بار قهرمان آسیا شده یا در رقابت‌های جهانی خوش درخشیده برای خبرنگاران و رسانه‌ها و به تبع آنان مردم جذاب بوده است. چند سالی است اما لنز دوربین‌ها و سر میکروفون‌ها به سمت کسان دیگری

نشانه رفته است، آدم‌هایی که تازه باید دوره اوج و ثمردهی ورزششان را ببینیم و برای کشورمان افتخار کسب کنند اما یا مشغول کاری غیر مرتبط اند یا با افسردگی و وضعیت بد روحی روزگار می‌گذرانند و یا اینکه ترجیح داده‌اند از کشور بروند و در خارج به زندگی‌شان ادامه دهند. ماجرای این‌ روزها، هم زود رفتن ورزشکاران از کشور (با از ورزش حرفه‌ای) است و هم سوخت‌وسوز شدیدی که دارد، چون از دست دادن جوانانی که برای ورزش کشور کارآمد هستند، یک

باخت بزرگ است. اما دلیل این رقتن‌ها چیست؟

● رقتن یا رقتن! در این زمینه خاص ما ۲ نوع رفتن داریم؛ یکی کسانی که می‌روند و عطای ورزش حرفه‌ای را به لقای آن می‌بخشند و دسته دیگر کسانی که از کشور می‌روند و تابعیت کشور دیگری را می‌گیرند و معمولاً خیرسازترند. دسته دوم کسانی مثل کیمیا علیزاده و سعید ملایی و سامان طهماسبی هستند که رسماً از ایران رفته‌اند و تابعیت کشورهای دیگری را پذیرفته‌اند. این افراد معمولاً به

از سکوی قهرمانی تالمسافرکشی

نبود حمایت از ورزشکاران حرفه‌ای، نایب قهرمان تکواندوی جهان را راننده تاکسی کرد



فرمان: استودیو شهریار

بعضی هنجارها و قوانین رسمی را نمی‌توان تغییر داد؛ در عوض، بی‌مهری مالی و بی‌توجهی عرف و قانون نیست و می‌توان عوضش کرد. نوجوان زیر ۲۰ سالگی که قهرمان آسیا یا حتی جهان می‌شود اما از کوچک‌ترین مزایای مالی بی‌بهره است و حتی برای استقبالش به گرفتن عکس یادگاری هیچ برنامه و چشم‌اندازی برایش تعریف نمی‌کنند، باید هم روزی همه چیز را فراموش کند و یک نرم‌افزار تاکسی اینترنتی روی تلفن همراهش نصب کند.

● مردم چه می‌گویند؟

اما در برابر این فهرست بلندبالا از کسانی که رفته‌اند یا همه چیز را رها کرده‌اند، واکنش مسئولان طبق معمول جملاتی مثل این است: «ما حمایت می‌کنیم، ما نوکر ورزشکارانیم، وظیفه ما همین است، قطعاً سازوکارهایی اندیشیده‌ایم ...» اما مردم در فضای مجازی و در واکنش به اخباری از این دست واکنش دیگری دارند که بعضی از این واکنش‌ها خیلی جالب است. چند کاربر در واکنش به خبر مسافرکشی شدن یک قهرمان بین‌المللی از بی‌انگیزه شدن خودشان و فرزندانشان در پیگیری ورزش حرفه‌ای نوشته‌اند و یکی‌شان با تأکید گفته است که فرزندش را از کلاس شнай حرفه‌ای که می‌رود بازخواهد داشت. کسی نوشته است: «من خودم باشگاه دارم، بگویند بیاید پیش من تا دوباره بدنش را بسازیم!» و کاربری هم گفته است: «احتمالاً ژن خوب ورزشی نداشته و بدنش افت کرده است!»

به هر حال چه با تأسف و چه به طنز به ماجرا نگاه کنیم، رفتن ورزشکارانی که می‌توانستند سسال‌ها برای ما افتخار کسب کنند تلخ و غم‌انگیز است.

کلاس تفسیر آیت ...! جوادی آملی بعد از ۴۰ سال پایان یافت. من از خودم می‌پرسم طولانی‌ترین تجربه کار مستمرم چقدر بوده؟ چندان کار و نصفه‌رها کردم؟ چرا به سبک زندگی ساندویچی عادت کردم؟

اعتبارنامه آقای تاجگردون در شعبه ۱۲ با ۹ رأی مثبت و ۷ رأی منفی تأیید شده است. نمایندگان این شعبه آیا حاضرند بگویند چه کسانی موافق و مخالف اعتبارنامه نماینده گچساران بوده‌اند؟

نمایندگان محترم در تویتر به جای نوشتن از طرح‌هایی که به ذهنتان رسیده و تأیید و تصویب راه درازی دارد و فقط جو روانی جامعه را به هم می‌ریزد، از عملکرد واقعی بنویسید.

هر وقت سر دوراهی رسیدید با دتان باشد که انتخاب ۲ راه نیست. ۳ راه است. یک راهش نرفتن است.

فاطمه رایگانی
محقق دینی



محمد مهاجری
روزنامه‌نگار



علیرضا کاردار
طنزپرداز



المیرا شریفی
فعال رسانه



رضاساکی
فعال محیط زیست



بزرگمهر حسین‌پور
کارتون‌نویست



زاگرس در آتش است. سوگواری باید کرد برای سوختن درختی که چنین در سنگ ریشه می‌کند و استوار می‌ماند. بلوط زندگی است و بر مرگش باید گریست.

● نگارمیرا فرار را برقرار ترجیح دهند در تمام این سال‌ها هر زمان از این‌ پلنگ‌های خال‌خال و جذاب و با ابهت صحبت شده است، خطر اقراض آن‌ها نیز به میان آمده است؛ نکته‌ای که مسبب بیشترین نگرانی برای از دست رفتن این گونه جانوری شده و در عین حال، مسبب خوش حالی ناشی از تماشای این گونه جانوری در فرمان. شکار غیرمجاز و تخریب زیستگاه این جانور از جمله مهم‌ترین عواملی است که باعث می‌شود این گونه زیبا از خانواده گربه‌سانان رو به نابودی برود. چون نتیجه آن چیزی جز حس ناامنی و در معرض خطر قرار گرفتن قلمرو آن‌ها نیست و در نتیجه اگر به کام مرگ کشیده نشوند، قطعاً فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند. شاید بد نباشد همین حالا که این حضور این ماده پلنگ و فرزندانش در این حوالی لذت می‌بریم، برای استمرار این اوضاع، به نتیجه مطلوبی برسیم تا روز دیگر کاسه چه کنم چه کنم دستانم نگیرم.

خبری که احتمالاً بیشتر از همه علاقه‌مندان به طبیعت و محیط زیست را خوشحال کرده است و البته محیط‌بانانی که با وجود تمام سختی‌ها و آسیب‌هایی که هر از گاهی دچارش می‌شوند، همچنان استوار بر سر عهد و پیمان خود ایستاده‌اند. توجع همتی مشاهده این گونه جانوری را در حیات وحش کشور بسیار ارزشمند دانست و آن را نشانه خوبی از اوضاع مطلوب تنوع زیستی و شرایط زیستگاهی این ناحیه دانست. او همچنین این نکته را یادآور شد که تلاش محیط‌بانان و دوستداران طبیعت قطعاً می‌تواند به حفظ و بهبود این شرایط کمک کند. بد نیست بداندیکه تاکنون بارها از حضور این پلنگ ایرانی با نام علمی panthera pardus در این منطقه صحبت شده بود؛ صحبت‌هایی که براساس گفته برخی از محیط‌بانان، دامداران و افراد محلی این منطقه بیان می‌شد. اما نکته اینجاست که این، اولین ثبت تصویر و مستندسازی از حضور پلنگ ایرانی در کلیاتق فرمان است.

● سهم ۳۰ درصدی پلنگ‌ها در شمال شرق کشور منطقه شکار ممنوع کلیاتق ۴۱ هزار و ۷۳ هکتار وسعت دارد و درختان کهن سال آریا و گونه‌های جانوری متفاوتی مثل پلنگ، قوچ و میش وحشی، کل و بز از جمله ویژگی‌های زیستی بارز این منطقه به شمار می‌رود. شاید برایتان جالب باشد بداندیکه تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی پلنگ اصلاً گونه جانوری شناخته‌شده‌ای در طبیعت نبوده و تنها پس از این دهه بود که برای اولین مرتبه به عنوان یک گونه مورد مطالعه با آن برخورد شد. این مطالعه جدی ابتدا در آفریقا آغاز می‌شود و بعد از آن در دهه ۱۹۸۰ به آسیا

آنچه درباره دود نمی‌دانید!

مهدی محمدی
mahdi.mohammadi@shahraranews.ir

معاون خدمات شهری شهردار مشهد: مطالعات تفصیلی در مورد آلودگی هوای شهر به پایان رسیده است. البته ما نیز در این مدت بیکار ننشسته بودیم و مطالعاتی درباره آلودگی هوای مشهد انجام دادیم که به شرح زیر است: تحقیقات علمی ما نشان می‌دهد دستگاه تنفسی مردم شهر بدجوری به سرب، مونوکسیدکربن و سایر ذرات معلق در هوا عادت کرده است و به هیچ عنوان نباید آب‌وهوای تازه تنفس کنند، چون هوای تازه برای آن‌ها از سم نیز بدتر است. متأسفانه دیده شده است برخی مردم به مناطق ییلاقی طر‌قبه و شاندیز می‌روند که باعث می‌شود دستگاه تنفسی آن‌ها شوکه شود و به مشکل بخورد. الان تلاش می‌شود که هوای مشهد هم مثل طر‌قبه و شاندیز تمیز شود، در صورتی‌که باید قضیه معکوس باشد و سعی کنیم به سمتی برویم که هوای ییلاقات مشهد نیز مانند خود مشهد پر از مونوکسیدکربن و سرب و آلاینده‌های دیگر باشد.

آمارها نشان می‌دهد گاهی اوقات، مثل روزهای جمعه یا روزهای بارانی، ما هوای نسبتاً پاک‌ی را تجربه می‌کنیم. این هوا نیز برای ریه همشهریان توصیه نمی‌شود، چون ممکن است به صورت ناگهانی سنگوب کنند. حالت تمیزی هوا یک حالت اضطراری است. وقتی هوا تمیز بود سعی کنید با سرعت هر چه بیشتر به جایی بروید که یک ماشین در حال دود کردن است. ترجیحاً سعی کنید ماشینی را پیدا کنید که روغن سوزی شدیدی هم داشته باشد. بعد انگشتان را به سمت دماغتان ببرید و آن را از لوث آلودگی‌های احتمالی پاک کنید، به‌طوری‌که مجرای دماغتان کاملاً باز شود. حالا زمان آن رسیده است که ببینی تان را به سمت آگروز آن ببرید و از راننده بخواهید که تاجایی که می‌تواند گاز را بردارد. این کار باعث خواهد شد کمبود مونوکسید و سرب بدن‌تان جبران شود.

البته مطالعات دودم‌محور ما هنوز در مرحله تکمیلی است و ممکن است کار به جایی برسد که مراکز معاینه فنی، فقط به ماشین‌هایی که توان دودزایی بسیار بالا دارند کارت معاینه فنی بدهند. به امید آن روز، یعنی همان روزی که من هم بتوانم بالاخره برای ماشینم برگه معاینه فنی دریافت کنم.

یک بازی به اسم شفاف‌سازی!

عبدالرضا مصری یکی از نمایندگان مجلس گفته است که رأی‌گیری مجلس در مورد مسائل مهم باید شفاف باشد. یاد سال‌های گذشته افتادیم، زمانی که ۱۷۰ نماینده مجلس زیر طرح دوفوریتی شفافیت آرای نمایندگان را امضا کرده بودند ولی پس از رأی‌گیری مخفیانه، تنها ۶۰ نفر به آن رأی دادند، یعنی حدود یک سوم.

راستش مانیز آن اوایل فکر می‌کردیم مردم هر حوزه انتخابیه حق دارند بداندند نماینده منتخب آن‌ها به کدام طرح‌ها و لوایح رأی می‌دهد تا براساس آن هم بتوانند او را ارزیابی کنند و هم تصمیم بگیرند آیا در دوره بعدی به او رأی بدهند یا خیر. اما بعدها دیدیم همان بهتر که شفاف‌سازی در هیچ حوزه‌ای وجود نداشت باشد. پژوهش‌های ما نشان می‌دهد اگر شفاف‌سازی رایج می‌شد، شاهد اتفاقات زیر می‌بودیم:

اگر شفاف‌سازی خوب بود، چپیس‌ها را داخل پلاستیک‌های شفاف می‌ریختند و وقتی مردم به عین‌ه مشاهده کردند که به‌خاطر ۲۰، ۳۰ گرم چپیس باید چند هزار تومان پول بی‌زبانشان را بدهند دیگر کسی چپیس نمی‌خرید. آن وقت کارخانجات چپیس و رشکست می‌شدند و کلی کار گر و مشاغل غیرمستقیم مرتبط با کارخانه چپیس حذف می‌شدند.

اگر شفاف‌سازی خوب بود در پینخال‌های خانگی را هم شفاف می‌ساختند. این طوری آدم هر نیم‌ساعت یک‌بار نمی‌رفت در پینخال را باز کند تا ببیند چه چیزی داخل آن است و یکی از سرگرمی‌های سالم و روزمره انسان‌ها به راحتی حذف می‌شد. اگر شفاف‌سازی خوب بود و مثلاً ساندویچی نزدیک خانه‌تان را می‌دیدید که چطور و با چه دست و چه نوع گوچه و خیارشوری و داخل کدام ظرف دارد برای شما ساندویچ درست می‌کند دیگر به ساندویچی نمی‌رفتید و البته دیگر مشتریان هم نمی‌رفتند و نرخ بیکاری از اینی که الان هست هم بیشتر می‌شد.

از همه مهم‌تر اگر شفاف‌سازی خوب بود عادل فردوسی‌پور که کتاب هنر شفاف‌اندیشیدن رولف دوبلی را ترجمه کرده است، الان نمونه ال‌نود نشده بود.

من از مردن نمی‌ترسم. نگرانم که به اندازه کافی زندگی نکرده باشم. باید روی همه تخته‌سیاه‌های کلاس‌ها نوشته‌بشه زندگی به زمین بازیه، نه چیز دیگه.

آقای هیچ‌کس ژاکوفان دورمال

نمی‌شود به عقب برگشت و گذشته را از نو ساخت، فقط می‌شود با آن کنار آمد.

در رؤیای بابل ریچارد براتیگان

شهریار

روزنامه شهریار
شهریار
روزنامه

شنبه
۲۲ شهریور ۱۳۹۱
شماره ۳۱۷۵

۱۵

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

سلطان مغرور

کوهستان‌ها

در «کلیاتق»

مشاهده یک پلنگ ماده در کنار توله هایش در منطقه حفاظت‌شده «کلیاتق» فرمان نوید روزهای خوبی را در حوزه محیط زیست می‌دهد



جایگاه‌های

محبوبه عظیم زاده

m.azimzadeh@shahraranews.ir

«ترس» احتمالاً اولین احساسی است که می‌تواند در یک رویارویی ناگهانی یا حتی ازپیش برنامه ریزی‌شده و آگاهانه با یک پلنگ، در وجود آدم شکل بگیرد؛ ترسی که قطعاً هاله‌هایی از مسخ‌شدگی و محو شدن در یک ابهت وقار مغرورانه هم در آن وجود دارد. تلفیق این غرور با زیبایی را بیشتر از هر جای دیگری می‌توان در چشم‌های نافذش دید، حتی از پشت یک عکس تزیینی. این مرتبه اما صحبت از یک عکس یا حضور این جانور جسور در صحرای آفریقا نیست، بلکه درست همین بیخ گوش خودمان یک نمونه تماشایی از آن به چشم خورده است، در خراسان رضوی، فریمان، منطقه شکار ممنوع «کلیاتق».

● یک خبرخوب برای دوستداران طبیعت

اصل این خبر البته به دهم خرداد، یعنی حدوداً ۱۲ روز پیش، مربوط می‌شود. بااین حال خبرگزاری‌های زیادی در همین یکی‌دو روز از حضور این پلنگ ماده به همراه توله هایش در منطقه شکار ممنوع کلیاتق فرمان خبر داده‌اند. مدیر کل حفاظت محیط زیست خراسان رضوی در روز دهم خرداد از این موضوع خبر داد و گفت: «درپی اقدامات مطلوب حفاظتی در منطقه شکارممنوع کلیاتق و افزایش ضریب امنیتی این زیستگاه، به تازگی یک قاده پلنگ ایرانی به همراه ۲ توله‌اش در منطقه مشاهده و حضورشان مستندسازی شد.»